

ایران اینگونه انقلابیون بی سواد را پرورش داده جزء نویسندگان زبردست و بلکه صاحب مکتبان میسر دامامل دیگر هر وقت بچنین نویسندگان انقلابی مصادف میشوند مشت خود را بدهان آنها زده و نمیگذارند در زبان ملی آنها رخنه پیدا کرده و آبروی ادبیات آنها را ببرند - نویسنده مقاله ، سلامه موسی یکی از ادبای معروف مصر است - سلامه موسی از آن نویسندگانی است که معنی را بر لفظ مقدم دانسته تجدید و اصلاح ادبیات را در این میدانند که نویسندگان از الفاظ مزینه ، استعارات بیهوده ، تکرار های بیفایده ، صرف نظر کرده سعی نمایند هر جمله و عبارتی از تحریرات آنها دارای روح معنی و حقیقت باشد - و عقیده خود را در مقاله ذیل بطور وضوح و اختصار شرح میدهد :

ادبیات حبابی

حبابهایی را که بعضی اوقات مخصوصاً هنگام باران روی آب پیدا میشود دیده اید - قشنگی و ملاحظت این حبابها خاصه وقتی که آفتاب بر آنها تابیده و رنگهای مختلف خورشید از آنها منعکس میشود قابل انکار نیست - اما با همه این قشنگی و ملاحظت حباب ، حباب است و بوزیدن مختصر نسیمی متلاشی و محور میشود - ادبای صنعتگر و لفاظ که هم خود را مصروف استعاره و مجاز و کنایه و تلفیق الفاظ مشعشه میدارند عبارت پردازی آنها حکم همان حبابها را دارد -

هر وقت میخواهند در موضوعی مقاله ای بنویسند یا کتابی تألیف کنند بهیچوجه متوجه باصل موضوع نشده عبارات خود را از همان حبابهای تو خالی که خود اختراع و یا از دیگران اختلاس نموده اند تألیف میکنند - قشنگی و لطافت صناعی را که بکار میبرند منکر نیستیم اما ملاحظت و زیبایی آنها را همان زیبایی و ملاحظت « حباب » یا کف روی آب می دانم که بوزیدن نسیم حقیقت و تابش خورشید معنی متلاشی

و زایل میشود - مقامات حریری و رسائل بدیع الزمان همدانی را همه خوانده و میخوانیم از الفاظ قشنگ و صنایع لفظی که بکار برده اند متلدذ میشویم اما هماغسمی که از مشاهده حباب روی آب لدت میبریم . و دیگر هیچوقت باین خیال نمیافتم که اسلوب آنها را تقلید کرده بسبک و رویه آنها چیز بنویسیم زیرا این طرز انشاء با تشریح مطالب علمی و فلسفی و تحریر در مسائل جدی و واقعی مناسبت نداشته و نمیسازد - نویسندگان صنعتگر عموماً مخالف فلسفه و دشمن علم بوده و حتی یکی از آنها مخالفت خود را تصریح نموده و میگوید در هر چیز که فلسفه داخل شد فاسد میشود ! این يك فكر فاسد و عقیده مضری است که جلوگیری از آن بر هر کس لازم است - باید شاگردان خود را بعلم و فلسفه تشویق نموده اهمیت مطالب جدی و معانی حقیقی و واقعی را بانها فهمانیده و نگذاریم فریفته انشاهای بی مغز و لفاظی های توخالی بشوند - ما در قرن سعی و عمل ، علم و فلسفه زندگی میکنیم ، هزاران قسم علوم و صنایع در جاو ما موجود است که قدماء و اسلاف ما از وجود آن اطلاع نداشتند - در چنین قرنی برای لفاظی دیگر مجال نمائند و اگر بخواهیم وقت خود را بت ترکیب عبارات فریبنده ، کنایات و انتقادات بیفایده ، تاکیدات و تکرار های بی مغز صرف کنیم از حقایق و معانی محروم مانده - عمرتال گرانبهایی را که باید در طلب امور جدی و مسائل واقعی مصرف شود بباطل از دست داده ایم - از مقالانی که بعضی جوانان ما در جراند نشر میدهند بطور وضوح می بینیم که چگونه از معانی و حقایق دور افتاده و در تنمیق الفاظ و تلفیق عبارات مستغرق گردیده اند - برای نمونه عباراتی را که یکی از این نویسندگان در موضوع اتفاق تلفیق کرده است نقل میکنیم : اتفاق ! آری اتفاق ! آیا میدانید اتفاق چیست ؟ اتفاق آن کبوتر سفیدی است که بر کزیتون در منقار گرفته قوم خود را برهائی از طوفان بشارت میدهد ! اتفاق

بلبل خوش آوازیست که بنغمات دلکش خود دل‌های افسرده را بطرب می آورد !

اتفاق هزار دستانی است که در فضا اوج گرفته و از آن جاترانه های روح بخش خود را بهمراهی نسیم بهشت برای ما می فرستد ! اتفاق فرشته آسمانی است که بال‌های نورانی خود را بر سر ارواح شجاعان و دلاوران گسترده و آن‌ها را در زیر بال میکبرد ! الله اکبر : ای اتفاق ! تو کیستی ؟ چه نام داری ؟ بچه زبان تو را توصیف و بچه چیز تو را تشبیه کنم ؟ آیا تورا بجلوه و دلارائی طبیعت در ایام بهار تشبیه نعیم ؟ ایامی که هوا صاف ، نسیم لطیف ، بلبلان نغمه سرا ، کلها درخشان ، باد مشکبیز و درختان ازوزش باد در حرگتند ؟ الی آخر حالا انصاف داده و از این نویسنده جوان عبرت بگیری ! از او تقاضا میشود در زمینه اتحاد و اتفاق چیزی بنویسد - او هم بجای این که فوائد و نتایج اتفاق و اتحاد را شرح دهد چهارصفحه بزرك را از این ترهات و عبارات بی معنی و لغو پر میسازد - در صورتی که این نویسنده جوانی است شرقی که مضرات و مفاسد اختلافات مسدیدی و نژادی و غیره را بیه چشم خود دیده خرابی‌ها و بدبختی‌هایی را که در نتیجه نفاق بممالک مشرق وارد میشود هر روز مشاهده مینماید و آنکام بعوض نوشتن هزاران امثله تاریخی و حقایق ثابتة ، يك مشت کلمات بلبل و فرشته و بال و نسیم و . . . بهم بافته و این طرز انشاء را فضیلت و هنرمی پندارد ! نویسنده دیگر را سراغ دارم که خواسته است کتابی در موضوع عشق و جمال بنویسد - در فصل اول شروع بتوصیف قلمی می کند که از شیشه ساخته شده محتوی بر مرکب قرمز رنگی بوده و دانه ای پنج شاهی در بازار قاهره بفروش میرسد ، چندین صفحه را از توصیف قلم مزبور پر کرده افکار و احساسات راجع بعشق و جمال را از آن

استخراج میکنند

آیا این قسم نویسندگی را غیر از بازی کودکانه چیز دیگری می توان نامید ؟ نتیجه و فایده ادبیات اصلاح امور عامه . راهنمایی ملت ، کشف رموز طبیعت ، تمتع گرفتن از جمال دلا رای حقایق آفرینش است و این ممکن نیست مگر وقتی که اساس ادبیات بر امور جدی و واقعی کداریه شده تر کیب عبارات ظاهر فریب و تالیف کلمات مصنوعه خالی از معنی بکلی منسوخ و متروک گردد

(انتهى)

حضرت وحید ! مقالات بعضی جراید امروزه و کتابهایی را که نویسندگان معروف ! اخیراً منتشر ساخته اند بدقت ملاحظه و مطالعه بفرمائید ؟ آیا جمله ها و عبارات آن نظیر عباراتی که سلامه موسی از آن جوان نویسنده نقل نموده است نیست ؟ و آیا نباید ما نیز جوانان خود را از این طرز انشاء کودکانه منع کرده مضرات و مفاسد آنها حالی نمائیم ؟ اگر چنین است پس خواهشمندم ساکت ننشسته و شما که امروز تنها حافظ و طرفدار تعالی و ترقی ادبیات فارسی هستید در این زمینه بیشتر چیز نوشته و مخصوصاً نثر نویسان انقلابی را فراموش نکرده و ببینید چگونه در افتضاح ادبیات فارسی کوشیده و میکوشند ! از نصیحت انگریزین و متبینه ساختن این بی سواد های جاهل که بزرگترین و مقدس ترین اصول ملی را فدای اغراض پست خود (که یکی از آنها لاف دانشمندی زدن در عین بی سوادی است) مینمایند خود داری نفرمائید

(دهقان کرمانی)

آنچه را نویسنده فاضل و شاعر کامل آقای دهقان کرمانی در خرابی نثر و تنزل انشاء مرقوم فرموده اند کاملاً تصدیق داریم و اگر تاکنون در موضوع خرابی نثر سخنی نرانده ایم برای آنست که خواسته ایم از

مبارزه بیهوشی باجهال برکنارباشیم ولی اینک که جامعه بدین مفاسدپی برده و فضلا در مقام انتقاد بر آمده اند ما نیز باعزم راسخ بیاری آنان برخاسته در جلوگیری از این سیل خرابی کمر همت خواهیم بست و مفاسد این گونه نکارشات عاری از لفظ ومعنی را کاملا تشریح خواهیم کرد

این مسئله هم نکتته نماند که فرق فیما بین لفاظان مصری و ایرانی از زمین تا آسمانست زیرا آنان لا اقل از عهده ترکیب الفاظ برمیآیند اما لفاظان ما از لفظ و معنی هر دو دودند چنانچه عنقریب شرح آن در مقالات مبسوطه خواهد آمد

وحید

نامه خاقانی بشر وانشاه

(از کتاب کوهرستان)

قارئین ارمغان البته بخاطر دارند که در شماره نخستین سال پنجم يك نامه نامی از حکیم افضل الدین خاقانی ثبت شد و ضمنا وعده دادیم که سایر مکاتیب آن حکیم و شاعر بزرگ را که فقط در کتاب کوهرستان ما موجود و بدسترس ماست زیب صفحات ارمغان قرار دهیم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینک وفای بدان وعده را بدرج این گرامی نامه که هنگامه حکمت و فصاحت و بلاغت از او کرم است پرداختیم و در حقیقت سال ششم را نیز بنامه خاقانی افتتاح کردیم .

فضلا و اهل ادب و صیرفیان بازار سخن میدانند که قدرو بهای اینگونه نامه ها چیست بلکه ممکن نیست قیمت و بهای آنها را تعیین کردن چه هر چیز از قبیل زرو سیم و کوهر و آب و خاک در عالم مثل و بدیل دارد ولی این نامه ها ایدا عدیل و نظیری در عالم ندارند .

این خود یکی از افتخارات ارمغانست که موفق گردید بعد از هفتصد سال از اساتید بزرگ سخن مانند سعدی و خاقانی نامه های گرانبها